

## بحران سیاسی کنونی و وظیفه نیروهای انقلابی

اوضاع عمومی جامعه نشان از بحرانها و حوادث مهمی دارد. جدال جناحهای حاکمیت - یا ائمه ها - هر چند که بظاهر بلاواسطه بدلیل فشار از بائین - بازتاب مبارزات طبقاتی کارگران و سایر زحمتکشان - نسبت ، لیکن انعکاس ستوان اقتصادی - سیاسی جامعه و به و خامت گرائی - سدن اوضاع سیاسی است. در این جدال قدرت بنی صدر بمثابة عمده ترین سردمدار و نماینده، بورژوازی در حاکمیت از رفقای حزبی شکست خورده و کنترول خود را بر مهمترین نهادهای قدرت - ارتش - از دست داده است. این امر البته غیر قابل پیش بینی نبود. در گذشته‌هایی نه چندان دور و بویژه در دو سه هفته گذشته تضادهای و مخاصمات درونی هیئت حاکمه به بالاترین درجه از شدت خود رسیده و طرفین به جایگاههایی غیر قابل بازگشت رسیده بودند - جایگاههایی که امکان هرگونه سازش و توافق مجدد را غیر قابل تصور ساخته بود. طرفین وارد کارزار نهایی گشته و هر یک بر آن بود که دیگری را از اربیکه‌ی سلسله مراتب قدرت بریزد بکشد. این امر بالاخره بوقوع پیوست و جناح بهیستی و سرکاه این بار با پشتوانه‌ی صریح و مستقیم " امام امت " دست به کار شده و رقیب غیرمکتبی خود " رئیس جمهور و فرماندهی کل قوا " را از فرماندهی کل قوا عزل کرده‌اند و هم اکنون خلع او از ریاست جمهوری و محاکمه‌ی او را نشانه گرفته‌اند.

در این میان اما خیل عظیم توده‌های ناراضی بسه خیابانها ریختند و تنفر خود را از حاکمیت و جناح غالب آن در غیاب بدیل اجتماعی جیب و با توهم ایجاد شده توسط بخشی از نیروهای سیاسی بصورت دفاع از بنی صدر نشان دادند. حضور ناراضیان در خیابانها که البته حضوری غیر سازمان یافته و نامنظم بود، دستور حکومت را در منع اجتماعات و تظاهرات مستقیماً به مصاف می - طلبید. در هفته‌ی گذشته حضور در صحنه‌ی توده‌ها و درگیری‌های مداوم خیابانی با " توده‌ها "ی جماعتی بدست و عملکرد و اگرچه حزب جمهوری اسلامی، از بسیاری جهات با دآور زدو خوردها و تظاهرات سیاسی قبل از قیام همین ماه ۵۷ میباشد. این تظاهرات در روزهای آینده سیر ادامه خواهد داشت، لیکن:

۱- بنی صدر کرجه از مدار قدرت کنار رفت، در جدال سیاسی از رقیب شکست خورد، و از فرماندهی کل قوا عزل شد و هر چند که فرماندهان ارتش بیعت خود را با اسلام و " امام امت " تجدید کردند، لیکن ارتش در کل همان نهاد است که در آریا مهریست که عاملی مهم و از بسیاری جهات تعیین کننده است. بویژه رده‌های بالای سلسله مراتب ارتش بیش از آنکه حامی رهبران جمهوری اسلامی باشند، حامی نظام سرمایه‌داری در ایران و تابع مصالح سرمایه‌ی جهانی و دولت‌های آن بویژه آمریکا هستند. ارتش بمثابة یک نهاد در خدمت بورژوازی در قدرت هر چند بدون شخص بنی صدر ولی کماکان در سلسله مراتب قدرت حضور دارد و خواهد داشت. گفته‌های اخیر خمینی و اصرار او در اینکه " ذراتش مسائل سیاسی طرح نشود " هر چند که نشان از هراس خمینی از موضع گیری ارتش بیعت بنی صدر دارد، لیکن در بطن خود، نطفه‌های تشییع سلسله مراتب بورژوازی و کنار آمدن ارتش از

مسائل سیاسی را می‌پروراند که چیزی جز هژمونی بیشتر فرماندهان و افسران آریا صبری سرکل حرکت این نهاد را دربر ندارد. ارتش ظاهراً در کنار قضا و به رژیم جمهوری اسلامی وفا دار است اما این به کمان ما فقط ظاهر قضیه است، اصل قضیه اینست که حضور ارتش بمثابة یک نهاد بورژوازی در معادلات سیاسی بارزتر میشود. از جانب دیگر شرکت برخی از عناصر ارتشی البته بصورت عناصر و نه بشکل حضور ارتش - در اجتماعات و زود و خوردهای خیابانی در هفته‌ی گذشته و طرح وسیع مسائل سیاسی در بادکانه‌ها علی‌رغم میل و اصرار فرماندهی، نشان - دهنده‌ی واقعیتی است که در آینده میز خود را بر حرکت های جامعه خواهد گوید. همچنین ادانه‌ی جنگ رژیم با عراق بویژه با توجه به بائین بودن روحیه ارتشیان در جنگ که با عزل بنی صدر از فرماندهی کل قوا شدت گرفته است، نقش ارتش را در صحنه‌ی سیاسی چه در صورت پیروزی و چه شکست بر اهمیت تر خواهد کرد.

۲- موج مبارزات و تظاهرات اخیر هر چند برانگیزنده، بدین سازمان و عمدتاً در پاسخ به شرایط سیاسی روز صورت می‌گرفته است اما نمیتواند از نظر نیروهای انقلابی و بویژه کمونیستها دور بماند. با بلاتنازع شدن حاکمیت حزب جمهوری در حاکمیت و برنامه‌های سازمان با فتنه‌ای که جهت سرکوب نیروهای مترقی و انقلابی بصورت تشییع حاکمیت طرح ریزی شده، باید هرچه وسعت بر مبارزه و مقابله با رژیم حاکم دست یازند. مبارزات کنونی هر چند که در چارچوب خواستهای دموکراتیک ( ضد استبدادی ) و مخالفت با جناح حزب و ولایت فقیه آن صورت می‌گیرد، لیکن در ادامه‌ی خود میتواند در صورت جهت گیری صحیح سیاسی، کل رژیم حاکم را هدف قرار دهد. حرکات اعتراضی مردم انعکاسی از شرایط رقت بار اجتماعی - اقتصادی و سیاسی است. مردم بدستی رژیم را مسئول این نابسامانیها میدانند و بنابراین باید به مبارزات توده‌ای دامن زده و آنرا در مسیری علیه کل حاکمیت و کل نظام موجود سمت داد. در این میان تبلیغ تبدیل جیب و مرزبندی با لیبرالها بمهراه حضور فعال در عرصه‌ی مبارزات و تظاهرات روزمره‌ی اجتماعی و سمته‌ی سیاسی به آن از مهمترین وظایف نیروهای انقلابی و کمونیست است. رسالت کمونیستها در تبلیغ تبدیل جیب جلوگیری از انحراف توده‌ها به گرایش بسوی قطب‌های حاکمیت است. اگر کمونیستها خواستهای خود را طرح و تبلیغ نکنند - هر چند که در حال حاضر بدیل اجتماعی نباشند - در آینده هرگز نمی‌توانند انتظار جذب و جلب توده‌ها را داشته باشند.

۳- به اعتقاد ما در لحظه‌ی حاضر لزوم اتحاد و اشتغال نیروهای جیب بصورت خنثی نمودن برنامه‌های آنها جیب رژیم و جلوگیری از تشییع اختناق و سرکوب هرچه ضروری تر گشته است. در حال حاضر اتحاد عمل بر اساس برنامه و با بلاتفرم سیاسی و با هر شکل دیگری از همکاریهای سیاسی به یک ضرورت انکار ناپذیر تبدیل گشته است. پس چرا دست‌نکار نمی‌شویم. پس چرا کام به پیش نمی‌نهم. چه موانعی بر سر راه موجودند و چرا نمیتوان آنها را از پیش‌راه به کنار زد. ما بارها و بارها در مورد لزوم اتحاد عمل نیروهای جیب سخن گفته و

**برای تحقق آرمانهای واقعی زحمتکشان: انقلابی دگر باید**

در این راه قدمهایی برداشته‌ایم ، نیروهای دیگر نیز بسیار سخن گفته‌اند . پس چرا این کامیابی نمیتوانند به اتحاد عملی واقعی چپ‌بیانجامند ؟

ما مثلاً از رفقای اقلیت این سؤال را تکرار میکنیم . شما که به لزوم اتحاد نیروهای چپ واقفید و بارها نیز از آن سخن گفته‌اید چرا کامیابی عملی به جلو بر نمی - دارید . مشکل شما چیست . شما در سرمقاله‌ی شماره‌ی ۱۱۲ ارگان خود برخلاف انتظار با واقع بینی اوضاع چپ را بررسی کرده از لزوم ایجاد " بلوک سوم " ( چپ ها ) سخن میگوئید ، و معتقدید که " جنبش انقلابی ایران - فرسنگها از جنبش توده‌ای و سرعت تحولات عقب مانده‌است " که " سازمانهای انقلابی کج و حیران ، تنها نظاره‌گر رویدادها شده‌اند " و بالاخره اینکه " سازمانهای انقلابی تنها از طریق ایجاد یک قلب انقلابی قادر خواهند بود به تنها نقش فعال در اوضاع بحرانی موجود ایفای کنند بلکه در موضع گیریها و گرایشات دموکراتیکهای انقلابی نظیر محاهدین خلق تاثیر بگذارند " . پس بطور در جهت تکمیل همین " بلوک سوم " ، همین " قطب انقلابی " مورد بحث خود حرکت نمیکنید . شما حاضرید ، ما هم حاضریم . بسیاری دیگر از نیروهای چپ انقلابی که حداقل در مورد بسیاری از ارزیابی های سیاسی اشتراک نظر دارند و تاکنون با کسبکهای واحدی را دنبال میکنند . سیر ما ما خواهد بود . پس اگر این شعارها و گفتارهای ما و شما عملی نشوند آیا کسی دیگری جز خودما مسئول عدم تحقق آنها و عواقب و عوارض ناشی از ادامه‌ی تشنگی و برآکنده‌ی میان صفوف چپ خواهد بود ؟ دعوت مکرر گذشته از نیروهای چپ را با دیگر در اینجا تکرار میکنیم و حاضریم که در راه تحقق اشتراکات چپ از هیچ کوششی دریغ نکنیم . شما بطور ؟ به توده‌ها و هواداران خود پاسخ دهید . ما در اینجا بار دیگر تکرار میکنیم که ایجاد بلوک مؤلف چپ تنها راه درست مقابله با حاکمیت ارتجاعی و تنها راه واقعی برای تبدیل شدن چپ به یک بدیل اجتماعی است . تا زمانی که چپ تشنگی و برآکنده و فاقد صف مستقل خویش است و به مثابه‌ی شنی واحد در عرصه‌ی مبارزات سیاسی شرکت ندارد نه تنها در مسیر مبارزات نقیض تعیین گشته‌ای نخواهد داشت بلکه اساساً فاقد خصوصیات لازم برای ایجاد

زمینده‌ی اصولی جهت انجام یارده‌ی از همکاریها با نیرو های دیگر مانند محاهدین خواهد بود . محاهدین در شرایط فقدان بدیل اجتماعی چپ به راست می‌تروند و این جزیر تا نزدیکی صریح مبارزات اجتماعی بویژه در ارتباط با حرکت خرده‌بورژوازی ( رادیکال ) نیست .

۴- بورش اخیر رژیم به جناح رقیب و بدستمال آن تعطیل یارده‌ی از روزنامه‌ها را نباید به همین محدوده خلاصه کرد . برنامه‌ی رژیم سرکوب شدید نیروهای انقلابی و انقلابیون کمونیست خواهد بود . این بورش سرآغازی است که رژیم تشنگی همه جانبه و تمام و کمال خود را - فارغ از حضور رقبا - میطلبید . برنامه‌ی تشنگی رژیم نیز نمیتواند جدا از برنامه‌ی منظم کردن سرکوب و اشتقاق و قلع و قلم نیروهای مترقی باشد . پس باید آماده‌ی بود ایجاد صف مستقل چپ و از آنرو همکاری با مجاهدین کامیابی اساسی و تعیین کننده در راه مقابله با رژیم است . اما تا آن زمان چه باید کرد . اگر علمبرگم خواست واقعی ما چپ متحد نشود و محاهدین کماکان در دفاع از سنی صدر و " لیبرالها " سمت گیری کنند ، آننگاه چه میتوان کرد ؟ در شرایط کنونی به اعتقاد ما رژیم بسیار بیش از گذشته در موقعیت انزوا بسر میرود . خیل ناراضیان بسیار بیشتر از آنست که رژیم تصور می کند . و تهدیدها و استغاثه‌های " رهبر " نیز درست‌ناشی از همین ضعف و انزواشی است که گریبان رژیم را گرفته‌اند است . رژیم اکنون از زبان رهبر آن اعلام میکند که راهبیمایی و اعتراض ، مقاومت و حرکت " در مقابل نص صریح قرآن است " . " در مقابل اسلام است " ، " در مقابل حکم صریح خدا است " و معذک بازم هم توده‌ها به -

میدان می‌آیند و او را " رهبر عظیم الشان " و " نائب امام " را آشکارا زیر پا میگذارند . این توده‌ها هنوز تنها رهبری دارند و نه سازمانی . بدیل چپ برای آنها ناموفق و غیر قابل لمس و بدیل راست نیز - هر چند که در حال حاضر گرایش بسیار به آن دارند - با سئوالات و ابهامات بسیاری همراه است ( توجه کنید به آخرین پیام رئیس جمهور در تاریخ ۲۳ خرداد ، که از رفقا دعوت می کند برای " هماهنگی " و " اجرای قانون " و ایضا اطلاعیه‌ی فصاحت بار آقای بازرگان در مورد عدم شرکت نهضت آزادی در راهبیمایی جمهه‌ی ملی چند دقیقه بعد از تلق همراه با اشک تضرع " امام امت " ) . حکومت نیز میخواهد ناراضیان را سرچای خود بنماید و با چند حمله‌ی حساب شده آنها را از میدان بدر کند . در چنین موقعیتی چپ باید در صحنه‌ی تحولات توده‌ای حضور فعال داشته باشد ، باید به کارزار وسیعی در جهت تبلیغ تبدیل چپ از طریق بخش اعلامیه - تراکت ، شعارنویسی ، شرکت در بحث های خیابانی و غیره دستزند و نشان دهد که نظاره‌گر منفعل نیست . اینکه صحنه‌ی سیاسی روز شدت قطبی شده گروههای در دفاع از سنی صدر و گروههایی در دفاع از بهنشی و ولایت فقیه فریاد بلند میکنند بهیچوجه بمعنای تبارد - گیری نیروهای چپ و رها ساختن صحنه و توده‌های در کسر آن بدستمال این با آن جناح حاکمیت نیست چون توده‌ها در اصل بخاطر آنها بخوابان نیامده‌اند . باید اوضاع را از این حالت خارج کرد و این نیز جز شرکت کمونیستها و هواداران آنها در فعالیت های سیاسی روز و ارائه‌ی بدیل چپ امکان پذیر نیست . در عین حال باید سادداشت که بلامنازع شدن سلطه‌ی حزب جمهوری اسلامی در حاکمیت ، سمت گیریهای مشخص تر علیه آن و تشدید حملات علیه آن را میطلبید .

۵- در مورد تاکنشهای مبارزه معتقدیم که تبلیغ عنصر مقاومت و مبارزه تا به آخر در میان مردم تشویق آنها به مقابله با برنامه‌ها و توانین رژیم . استادگی در مقابل بورش دسته‌های ارادال و اوباش و خشنی کردن آنها و در صورت لزوم دست‌یازیدن به تعرض متقابل از اهم تاکنشهای مبارزاتی روز میباشد . باید روحیه‌ی مبارزاتی توده‌ها را بالا نگه‌داشتند و به تلاطمات اجتماعی دامن زد . باید با تشدید مبارزه از فروکنی مسوج مبارزاتی اخیر جلو گرفت و این امر شرکت سازمان با قضا همه شکل های انقلابی را میطلبید . فروکنی موج و باشین آمدن روحیه‌ی توده‌ها بدون شک سر آغاز اعمال همه - جانبه‌ی اختان و سرکوب عریان رژیم خواهد بود . پس باید با تشدید مبارزه جو سیاسی روز را تداوم بخشیده و حفظ نمود و از سرخوردگی و کناره‌گیری توده‌ها از عرصه‌ی مبارزه که پیش‌شرط برنامه‌های جدید سرکوب‌گراست رژیم بمنظور تشنگی نهایی آنست جلو گرفت .



توجه

رفقای مبارز  
هیئت تحریریه در نظر دارد از شماره آیند گزارشات مستندی از مبارزات توده‌های مردم - جو سیاسی حاکم - سرکوب ارتجاع و عکس العمل توده‌ها در مقابل آن را در رهائی منعکس نماید . از این رو ضروری است که تمام رفقا گزارشات مشاهدات مستند خود را بلافاصله در اختیار هیئت تحریریه قرار دهند تا از آنها در رهائی استفاده گردد .

هر دو جناح حاکم دشمن زحمتکشند حامی سرمایه‌دار